

داستان متیوسون از کتاب مقدس - درس پنجم - اعمال رسولان و پولس دیو متیوسون و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این سخنرانی شماره ۵ از ۶ سخنرانی در مورد «خط داستانی کتاب مقدس» توسط دکتر دیو متیوسون است. در این سخنرانی، او به بررسی رساله‌های پولس می‌پردازد و پنج موضوع اصلی سرزمین، عهد، معبد، قوم او و پادشاهی را از طریق رساله‌های پولس دنبال می‌کند. و حالا، دکتر دیو متیوسون

ما به چیزی که من آن را «خط داستانی کتاب مقدس» می‌نامم، یا نوعی روایت اساسی که روایتگر برخورد، رستگاری بخش خداوند با بشریت و کل کیهان در تحقق نیت اولیه او برای خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است پرداخته‌ایم. ما به آن در قالب پنج مضمون مرتبط با هم، مضمون قوم خدا، مضمون عهد، مضمون خلقت و سرزمین، مضمون معبد و مضمون سلطنت، نگاه کرده‌ایم. و بررسی کرده‌ایم که چگونه این مضامین در عهد عتیق توسعه یافته‌اند. در سخنرانی قبلی، به چگونگی اوج‌گیری و تحقق این مضامین در شخص عیسی مسیح پرداختیم و به ویژه بر چگونگی ظهور این مضامین در انجیل‌ها و چگونگی تحقق آنها توسط مسیح تمرکز کردیم.

کاری که امروز می‌خواهیم انجام دهیم این است که فراتر از انجیل‌ها نگاه کنیم و ببینیم که چگونه این مضامین همچنان در بقیه عهد جدید ظاهر می‌شوند و راه خود را پیدا می‌کنند و اوج و تحقق نهایی خود را در رؤیای رستگاری آخرالزمانی در مکاشفه ۲۱ و ۲۲ می‌یابند. و دوباره، می‌خواهم به شما یادآوری کنم که وقتی در مورد داستان و چگونگی تحقق آن فکر می‌کنیم، باید دو دسته تمایز قائل شویم. مورد اول بین چگونگی تحقق این موارد در مسیح است، اینکه مسیح کلید تحقق این وعده‌ها، این مضامین و عناصر اصلی داستان است.

دوم اینکه، این مضامین به طور گسترده در افرادی که به مسیح تعلق دارند و از طریق ایمان در مسیح ادغام شده‌اند نیز تحقق می‌یابند. بنابراین اول از همه، آنها در مسیح تحقق می‌یابند و ثانیاً، در قوم خدا که به او تعلق دارند، تحقق می‌یابند. تمایز دومی که باید قائل شویم بین تحقق اولیه این وعده‌ها و این مضامین و تحقق نهایی است.

گفتیم که تنش آخرالزمانی بین آنچه محققان اغلب آن را آخرالزمان از پیش اما هنوز آغاز نشده می‌نامند و آخرالزمان کمال یافته نیز بر این پنج مضمون تأثیر می‌گذارد. بنابراین، در ابتدا، آنها در بخش از پیش موجود این تنش از طریق مسیح و پیروانش، کلیسا، آغاز می‌شوند، اما در آینده، در زمانی که متکلمان آن را آمدن دوم مسیح می‌نامند، اینها در پایان تاریخ، زمانی که مسیح خلقت کاملاً جدیدی را آغاز می‌کند، سپس این مضامین به کمال خود، یعنی جنبه از پیش موجود این تنش، می‌رسند. بنابراین امروز، ما به بررسی هر دو جنبه از پیش موجود، به ویژه با تمرکز بر قوم خدا، کلیسا، و چگونگی تحقق این پنج مضمون، ادامه خواهیم داد، اما همچنین به جنبه هنوز نه چندان روشن، یعنی کمال و پایان آخرالزمانی در مکاشفه ۲۱ و ۲۲، که در آن خواهیم دید که همه این پنج مضمون پدیدار می‌شوند، خواهیم پرداخت.

با شروع از کتاب اعمال رسولان، به دنبال انجیل‌ها، چیزی که می‌خواهم به شما نشان دهم این است که این داستان در کتاب اعمال رسولان ادامه می‌یابد. برای اعمال رسولان، لزوماً پنج موضوع را به طور جداگانه بررسی نمی‌کنم، بلکه فقط به طور خلاصه به فصل‌های ابتدایی اعمال رسولان نگاه می‌کنم، بلکه به نوعی به کل اعمال رسولان نیز نگاه می‌کنم، و فقط برای اینکه ببینم چگونه این داستان که از خلقت، در روایت خلقت در پیدایش ۱ و ۲ آغاز می‌شود، اکنون همچنان در اعمال رسولان تأثیر می‌گذارد. و دوباره، به شما یادآوری می‌کنم، نمی‌خواهم بگویم که بار اصلی هر نویسنده عهد جدید توضیح این پنج موضوع است، اما حداقل، می‌خواهم بگویم که آنها این داستان را در نظر می‌گیرند.

آنها ادامه داستانی را فرض می‌کنند که از پیدایش شروع می‌شود، از عهد جدید می‌گذرد، به زندگی مسیح می‌رسد و اکنون راه خود را از طریق بقیه نویسندگان عهد جدید ادامه می‌دهد. بنابراین، با شروع از کتاب اعمال رسولان، جایی که باید شروع کنم، جایی است که به هر حال می‌خواهم با اعمال رسولان ۱ و آیه ۸ شروع کنم. جالب است که در آیه ۶، پیروان عیسی این سوال را می‌پرسند، پروردگارا، آیا در این زمان پادشاهی را به اسرائیل بازخواهید گرداند؟ بنابراین واضح است که آنها هنوز منتظر تحقق نهایی وعده‌هایی هستند که متن نبوی در عهد عتیق با آنها به پایان می‌رسد. و اکنون، به نظر من، اعمال رسولان ۱، آیه ۸، به یک معنا پاسخی به این سوال است، زمانی که عیسی می‌گوید، اما هنگامی که روح القدس بر شما نازل شود، قدرت خواهید یافت و شاهدان من در اورشلیم، در تمام یهودیه و سامره و تا اقصی نقاط زمین خواهید بود.

حال، چیزی که می‌خواهم در مورد این آیه تأکید کنم این است که این آیه چیزی فراتر از یک استراتژی تبلیغی برای چگونگی بشارت دادن است، اینکه از منطقه خودتان شروع کنید و سپس گسترش دهید، هر چقدر هم که این درست باشد. این موضوع اصلی آیه ۸ اعمال رسولان ۱ نیست. در واقع، تمام این عبارات در اعمال رسولان ۱، آیه ۸ با متون کتاب اشعیا طنین‌انداز می‌شوند.

بنابراین وعده اشعیا مبنی بر احیا، جایی که خدا قوم خود، پادشاهی خود را، تحت پادشاهی داوود، در عهدی جدید، در خلقتی جدید احیا خواهد کرد، اکنون به عنوان آغاز تحقق وعده اشعیا در کتاب اعمال رسولان دیده می‌شود. و این متن، که اعمال رسولان ۱، آیه ۸، به یک معنا مقدمه‌ای بر کل کتاب است، نه فقط یک طرح کلی، بلکه از نظر الهیاتی، به این معنی که بقیه اعمال رسولان، به یک معنا، در مورد چگونگی تحقق وعده اشعیا در مورد احیا، چگونگی این داستان عهد عتیق که به خلقت برمی‌گردد، در واقع، اکنون در پیروان عیسی در گسترش کلیسا، در گسترش انجیل محقق می‌شود. بنابراین، به عنوان مثال، اشاره به دریافت روح وقتی عیسی به آنها می‌گوید، شما روح القدس را دریافت خواهید کرد، که از اشعیا، فصل ۳۲ و آیه ۱۵ آمده است.

این واقعیت که آنها، وقتی عیسی می‌گوید، شما باید شاهدان من باشید، موضوع شاهد، دوباره از کتاب اشعیا می‌آید، جایی که اسرائیل باید شاهد خدا باشد. اشعیا، فصل ۴۳، در آیه ۱۰، و همچنین آیه ۱۲. و این واقعیت که در نهایت، این وظیفه شاگردان رسیدن به انتهای زمین بود، این شاهد رسیدن به انتهای زمین بود، دوباره، اشعیا، فصل ۴۹، و آیه ۶ را منعکس می‌کند، که پادشاهی در نهایت گسترش خواهد یافت، و این شاهد در نهایت تا انتهای زمین خواهد رفت.

بنابراین، اعمال رسولان، فصل ۱، آیه ۸، به عنوان نوعی بیانیه برنامه ریزی شده برای بقیه اعمال، ارتباط نزدیکی با وعده اشعیا مبنی بر بازسازی از عهد عتیق دارد. اما بیش از آن، به ذکر سامره و اورشلیم نیز توجه کنید. وقتی عیسی می‌گوید، شما شروع خواهید کرد، شما شاهدان من در اورشلیم، تمام یهودیه و سامره خواهید بود.

حال، چرا نویسنده از سامره نام می‌برد؟ چرا عیسی به آنها گفت که از اورشلیم شروع کنند و سپس سامره را نیز شامل کنند؟ زیرا آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد این است که اکنون اورشلیم، پایتخت پادشاهی جنوبی، و اکنون سامره، پادشاهی شمالی اسرائیل، در حال متحد شدن و بازسازی شدن در راستای تحقق انتظار نبوی هستند. بنابراین، اسرائیل اکنون در اعمال رسولان، فصل ۱ و آیه ۸ در حال بازسازی است، به طوری که نجات اکنون می‌تواند به اقصی نقاط زمین برود، در راستای تحقق برنامه بازسازی اشعیا، و همچنین در راستای تحقق نیت اولیه خدا برای پر کردن تمام زمین با جلال و حضور و حکومت او در پیدایش، فصل ۱ و آیه ۲. بنابراین، در حال حاضر در فصل ۱، نویسنده نتهای این خط داستانی را که دیده‌ایم، به آفرینش برمی‌گردد و راه خود را از طریق عهد جدید می‌بافد و به ویژه در ادبیات نبوی پدیدار می‌شود، بیان می‌کند. در

فصل ۲، نشانه‌های بیشتری از قصد نویسنده برای پیوند دادن داستان خود در اعمال رسولان با داستان عهد عتیق می‌یابیم.

برای مثال، در اعمال رسولان، فصل ۲، وقتی سخنرانی پطرس را در پاسخ به اتهامات مربوط به آنچه در روز پنطیکاست اتفاق افتاد می‌خوانید، در فصل اول اعمال رسولان، زمانی که روح القدس بر قوم خدا نازل می‌شود، در پاسخ به آن است، در سخنرانی پطرس، فصل ۲ را بخوانید و توجه کنید که چند بار نام داوود مطرح شده است. توجه کنید که چند بار این موقعیت با متنی که به پادشاه داوود مربوط می‌شود، مرتبط شده است. بنابراین، اکنون پادشاه داوود احیا شده است.

وعده خدا به داوود که در عهد عتیق به دوم سموئیل ۷ برمی‌گردد، که گفتیم در نهایت به نیت خدا برای خلقت در پیدایش ۱ و ۲ برمی‌گردد، اکنون در حال انجام است. بنابراین، بازسازی در حال انجام است. اما نشانه‌های بیشتری از مضامین قوم خدا، تصاویر معبد، تصاویر عهد جدید را در فصل ۲ می‌یابیم. به عنوان مثال، من همیشه تعجب می‌کردم که چرا در اواخر اعمال رسولان، فصل ۱، کلیسا لازم دید که شاگرد دیگری را در آیات پایانی فصل ۱ منصوب کند؟ چرا آنها این کار را ضروری دیدند؟ تقریباً در اینجا به طور اتفاقی در داستان ریخته شدن روح خدا در مردم در روز پنطیکاست و مأموریت کلیسا برای شهادت او تا اقصی نقاط زمین، به آن اشاره شده است.

چرا دوباره این داستان را دارید که کلیسا جانشینی، یک شاگرد، را انتخاب می‌کند که دوازدهمین نفر خواهد بود؟ اگر به یاد داشته باشید، یهودا در انجیل‌ها از دین برگشت و بنابراین اکنون کلیسا دوازدهمین نفر را انتخاب می‌کند. چرا آنها این کار را می‌کنند؟ احتمالاً به این دلیل که باز هم عدد ۱۲ مهم است. یعنی دلیل اینکه آنها به ۱۲ شاگرد یا ۱۲ رسول نیاز داشتند این بود که این عدد نماد ۱۲ قبیله اسرائیل یا قوم خدا بود.

بنابراین، نویسنده با انتخاب حواری شماره ۱۲ در انتهای فصل اول اعمال رسولان، دوباره می‌گوید که قوم خدا در حال احیا هستند. احیای اسرائیل با انتخاب دوازدهمین حواری و پایه‌گذاری پایه‌های قوم جدید خدا در ۱۲ شاگرد عیسی مسیح در حال انجام است. بنابراین، فکر می‌کنم این توضیح می‌دهد که چرا لوقا روایت رویداد انتخاب دوازدهمین شاگرد را به عنوان نشانه‌ای از احیای قوم خدا ضروری می‌داند.

این قوم جدید خدا است که بر پایه ۱۲ رسول بنا شده است. این احیای واقعی قوم خداست. اما به مضامین دیگر موجود در اعمال رسولان فصل ۲، یعنی نزول روح القدس در روز پنطیکاست، توجه کنید.

در اعمال رسولان باب ۲، وعده عهد جدید مطرح شده است. اگر به متن نبوی، حتی به حزقیال باب‌های ۳۶ و ۳۷ برگردیم، عهد جدید باید با نزول روح القدس همراه و نشان داده می‌شد. هدیه روح القدس نشانه‌ای است که عهد جدید خدا بر قومش نازل شده است.

گرگ بیل، در چند مقاله، همچنین استدلال کرده است که نزول روح القدس بر مردم در روز پنطیکاست نشان دهنده حضور خداوند است که برای اقامت و استراحت در معبد او می‌آید. بنابراین، شما در اعمال رسولان فصل ۲ نیز موضوع معبد را دارید، همراه با موضوع عهد و همراه با احیای اسرائیل. جالب اینجاست که این واقعیت که همه این افراد برای آماده شدن برای روز پنطیکاست و نزول روح القدس به زیارت اورشلیم می‌روند، احتمالاً منعکس کننده انتظار نبوی عهد عتیق است که در متونی مانند حزقیال و اشعیا از زیارت مردم یا بازگشت مردم از تبعید به سرزمین مادری خود دیدیم.

و سپس این با حکومت پادشاه داوودی و نزول روح، عهد جدید، حضور خدا با قومش همراه می‌شود، به طوری که ریچارد باکوم می‌تواند در یکی از کتاب‌های اخیرش ادعا کند که پنطیکاست ممکن است نه چندان، تولد کلیسا، بلکه آغاز بازسازی پراکندگی باشد. یعنی، همه قوم خدا که به دلیل تبعید پراکنده شده بودند

اکنون بازسازی شده‌اند. بنابراین، در اینجا آغاز، مراحل از پیش تعیین شده بازسازی اسرائیل، بازسازی قوم خدا، آمده است.

چند نکته جالب دیگر این است که در سراسر کتاب اعمال رسولان، شما همچنین این نوع به‌روزرسانی‌ها یا اطلاعیه‌ها را می‌بینید که اغلب پس از روایت وقایع خاص، یک زیرنویس کوچک که توصیف می‌کند، و کلیسا، رشد کرد و از نظر تعداد افزایش یافت یا شاگردان زیادی به تعداد آنها اضافه شدند، به ویژه برای مثال فصل ۶ اعمال رسولان، فصل ۶ و آیات ۱ و ۷. آیه ۱ می‌گوید: «در آن روزها که شاگردان از نظر تعداد افزایش می‌یافتند، و آیه ۷، کلام خدا همچنان گسترش می‌یافت، تعداد شاگردان بسیار افزایش یافت.» و همچنین فصل ۹، و آیه ۳۱، «در همین حال، کلیسا در سراسر یهودیه، جلیل و سامره آرامش داشت و ساخته می‌شد، در ترس خداوند و در تسلی روح القدس زندگی می‌کرد، از نظر تعداد افزایش می‌یافت. من فکر می‌کنم که آن عبارت، آن تأکید بر رشد و افزایش، بازتابی از نیت اولیه خدا برای بشریت در پیدایش ۱ و ۲ است، که آنها بارور و تکثیر شوند، که آنها افزایش یابند و زمین را با فرزندان دیگری که تصویر دارند پر کنند.»

احتمالاً همچنین به موضوع کثرت فرزندان ابراهیم و افزایش بنی اسرائیل در خروج، فصل ۱ کتاب خروج اشاره دارد، به طوری که بار دیگر در اینجا متوجه می‌شویم که قصد خدا برای احیای قومش، جایی که نسل ابراهیم کثیر باشد، جایی که آنها در تحقق فرمان خدا در خلقت، در فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش، برای بارور و تکثیر شدن، افزایش و تکثیر شوند، اکنون در کتاب اعمال رسولان در حال تحقق و تحقق است. به طوری که فصل ۲۸ اعمال رسولان در پی مجموعه‌ای از سفرهای طولانی تبلیغی پولس به پایان می‌رسد که گسترش می‌یابد به طوری که پولس در روم به پایان می‌رسد، از طریق سفرهای تبلیغی پولس است، و فصل ۲۸ اعمال رسولان با رسیدن انجیل به روم پایان می‌یابد، و شما پولس را دارید که هنوز در حال موعظه پادشاهی خدا است. بنابراین آنچه در اعمال رسولان دوباره اتفاق می‌افتد این است که در دو فصل اول، قوم خدا، اسرائیل در حال بازسازی هستند، معبد با سکونت خدا در میان قومش بازسازی می‌شود، عهد جدیدی محقق می‌شود، پادشاه داوود بر قوم خود حکومت می‌کند، و اکنون که این اتفاق افتاده است، نجات می‌تواند در تحقق اعمال رسولان ۱-۸، در تحقق داستانی که به آن نگاه کردیم، به اقصی نقاط زمین برسد، به طوری که اعمال رسولان با داستانی که در مسیر تحقق خود است، به پایان می‌رسد، همانطور که انجیل، به یک معنا، به اقصی نقاط زمین، امپراتوری روم، در اعمال رسولان فصل ۲۸ می‌رسد.

حالا که این اتفاق افتاده، حالا که اسرائیل احیا شده، و آن بخش از داستان شروع به رسیدن به یک راه حل کرده است، حالا راه حل گسترده‌تر انتشار انجیل و پادشاهی و حکومت خدا که کل زمین را در بر می‌گیرد، می‌تواند اتفاق بیفتد. چیزهای دیگری هم در اعمال رسولان وجود دارد که احتمالاً می‌توانیم به آنها نگاه کنیم اما باز هم، فقط می‌خواستم به شما نشان دهم که چگونه حتی اعمال رسولان ادامه‌ی داستان است. این چیزی فراتر از تأسیس کلیسای اولیه و چگونگی شروع انتشار انجیل توسط کلیسای اولیه است، بله، این درست است، اما باید به عنوان مراحل ادامه‌داری که در لوقا و سایر انجیل‌ها آغاز می‌شود، مراحل ادامه‌دار تحقق داستانی که به خلقت برمی‌گردد، دیده شود.

یکی از مهم‌ترین چهره‌ها در کتاب اعمال رسولان، پولس رسول است، بنابراین به یک معنا، کتاب اعمال رسولان مقدمه‌ای مناسب برای بقیه عهد جدید ارائه می‌دهد، زیرا برخی از چهره‌های اصلی در اعمال رسولان اکنون نامه‌های خود را به نمایش می‌گذارند و نوشته‌های آنها در بقیه عهد جدید نیز حضور دارد، و یکی از چهره‌های برجسته از فصل‌های اولیه اعمال رسولان، که به زودی، به یک معنا، بر بقیه صحنه تسلط می‌یابد، پولس است. بنابراین می‌خواهم به نوشته‌های پولس نگاهی بیندازم و نشان دهم که چگونه، به ویژه این پنج مضمون این داستان، در نوشته‌های پولس آشکار می‌شوند. باز هم، ما در درجه اول به جنبه از پیش آغاز شده نگاه می‌کنیم.

ما در درجه اول به چگونگی تحقق این مضامین در خود مردم در کلیسا خواهیم پرداخت، اما همچنین خواهیم دید که چگونه، حتی برای پولس، آنها در خود عیسی مسیح تحقق می‌یابند. بنابراین، بیایید با قوم خدا شروع کنیم. موضوع قوم خدا در نوشته‌های پولس، بدیهی است که در جاهایی بسیار فراتر از جایی که او فقط از قوم خدا یا کلیسا یا چیزی شبیه به آن نام می‌برد، یافت می‌شود.

و چیزی که من در ذهن دارم تعداد دفاعاتی است که در سراسر نامه‌های پولس، کلیسا، قوم خدا، در وعده‌هایی که به اسرائیل داده شده است، به ویژه وعده‌های عهد جدید، مشارکت دارد. همانطور که خواهیم دید، تمام وعده‌های رستگاری که قوم خدا از آن برخوردارند و مسیحیان در آن مشارکت دارند، به طور جدایی‌ناپذیری با عهد جدید مرتبط هستند. هیچ رستگاری خارج از عهد جدیدی که خدا با قوم خود منعقد می‌کند، وجود ندارد.

بنابراین، همانطور که در انجیل‌ها دیدیم، عیسی مسیح عهد جدیدی را آغاز می‌کند. اکنون پولس به فرض و بیان وجود عهد جدید و برکات نجاتی که از آن به قوم خدا می‌رسد، ادامه خواهد داد. بنابراین بارها و بارها، دیده می‌شود که کلیسا در وعده‌هایی که به اسرائیل داده شده است، به ویژه در ارتباط با عهد جدید مشارکت دارد.

تمام وعده‌های نجات، وعده‌های روح القدس، وقتی در مورد اشارات به روح القدس، پر شدن از روح القدس، مهر شدن با روح القدس می‌خوانیم، تمام آن زبانی که با روح القدس مرتبط است، به عهد جدید مربوط می‌شود. کمی بعد به آن برمی‌گردیم. اما چند متن دیگر هم هست که باید روی آنها تمرکز کنیم.

یکی از واضح‌ترین آنها در افسسیان فصل ۲ یافت می‌شود. در افسسیان فصل ۲ و به ویژه آیات ۱۱ تا ۲۲، پولس این را می‌گوید، و چیزی که می‌خواهم شما هم به آن توجه کنید بخش زیادی از این زبانی است که قرار است از نزدیک و دور بخوانیم، زبان موعظه صلح، همه اینها از اشعیا آمده است. بنابراین اکنون، حتی پولس وعده‌ها، برنامه مرمت در اشعیا را اکنون در کلیسا، که از یهودیان و غیریهودیان تشکیل شده است، در حال تحقق می‌بیند. بنابراین پولس می‌گوید، بنابراین، با شروع از آیه ۱۱، افسسیان فصل ۲، بنابراین، به یاد داشته باشید که زمانی شما ای غیریهودیان مادرزاد، که ختنه شدگان یعنی یهودیان، شما را نامختون می‌نامیدند، ختنه‌ای جسمانی که به دست بشر در جسم انجام شده است، به یاد داشته باشید که در آن زمان از مسیح جدا بودید، از کشور اسرائیل بیگانه، از پیمان‌های وعده بیگانه، بی‌امید و بی‌خدا در جهان، اما اکنون در مسیح عیسی، شما که زمانی دور بودید، زبانی از اشعیا، به خون مسیح نزدیک شده‌اید.

بنابراین حتی برای پولس، مسیح کلید تحقق وعده‌های داده شده به اسرائیل است. مسیح اوج داستان است زیرا او صلح ماست، او در جسم خود هر دو گروه، یهودی و غیر یهودی، را به یک نفر تبدیل کرده و دیوار جدایی، یعنی خصومت بین آنها را فرو ریخته است.

با منسوخ کردن شریعت با احکام و فرامینش، تا بتواند در خود یک بشریت جدید، خلقت، خلقت جدیدی که از اشعیا سرچشمه می‌گیرد، بیافریند. بنابراین اکنون او یک بشریت جدید را به جای این دو ایجاد می‌کند و صلح برقرار می‌کند. و تا بتواند هر دو گروه، یهودی و غیر یهودی، را در یک بدن از طریق صلیب با خدا آشتی دهد و بدین ترتیب خصومت را از طریق آن، از طریق صلیب، از بین ببرد.

پس او آمد و به شما که دور هستید، صلح و به آنان که نزدیک هستند، صلح را اعلام کرد. زیرا از طریق او هر دوی ما به یک روح، یا در یک روح، به پدر دسترسی داریم. من همین جا متوقف می‌شوم زیرا بعداً به دو یا سه آیه باقی مانده از این متن باز خواهیم گشت.

اما آنچه اینجا می‌بینید، به وضوح نشان می‌دهد که پولس فرض می‌کند که اتحاد یهودیان و غیریهودیان در یک بشریت جدید، در یک بدن جدید، کلیسا، به عنوان تحقق وعده‌های خدا به اشعیا یا وعده‌های اشعیا برای بازسازی دیده می‌شود. بنابراین، برای پولس، اکنون به وضوح می‌بینیم که خدا قصد خود را برای برقراری مجدد و بازسازی قوم خود ابراز می‌کند. بشریت جدیدی متشکل از یهودیان و غیریهودیان

بنابراین همانطور که قبلاً در انجیل‌ها دیدیم، با آمدن مسیح، که سرنوشت اسرائیل و قوم خدا را محقق می‌کند و کلید تحقق داستان آنهاست، اکنون عضویت در قوم خدا دیگر از نظر قومی تعریف نمی‌شود، بلکه اکنون صرفاً بر اساس رابطه با عیسی مسیح تعریف می‌شود. بنابراین از آنجا که عیسی مسیح آمده است و از طریق مرگ او بر روی صلیب صلح را محقق کرده است، اکنون عضویت یا تعلق به قوم خدا به واکنش فرد به عیسی مسیح بستگی دارد. قوم خدا که از یهودیان و غیریهودیان تشکیل شده است، اکنون حول ایمان به عیسی مسیح می‌چرخد.

بنابراین، در فصل ۲ افسسیان، قوم جدید خدا به وضوح در حال احیا شدن هستند، آنها دیگر بر اساس خطوط قومی تعریف نمی‌شوند، بلکه صرفاً بر اساس عیسی مسیح و کار او بر روی صلیب تعریف می‌شوند. کلید دیگر، متون دیگری وجود دارند که می‌توانیم به آنها اشاره کنیم، اما نمونه دیگر، کلید دیگری برای درک کلیسا به عنوان قوم خدا، در ادامه قوم خدا در عهد عتیق، اسرائیل عهد عتیق، در کاربرد مضمون یا بن‌مایه خروج جدید در مورد کلیسا نیز یافت می‌شود. به عنوان مثال، در اول قرن‌تین فصل ۵ و آیه ۷، و البته اول قرن‌تین ۱۰ و ۱۱، جایی که کلیسا را در مقایسه با اسرائیل می‌بینیم، اما در فصل ۵ و آیه ۷ از اول قرن‌تین، به عقب برمی‌گردم و، ببینیم، آیه ۷ را می‌خوانم، "...خمیرمایه کهنه را پاک کنید تا دسته‌ای تازه باشید، همانطور که واقعاً بی‌خمیرمایه هستید."

زیرا بره فصیح ما، مسیح، بره فصیح ما، مسیح، قربانی شده است. بنابراین، بیایید "...آیه ۸، ..." پس بیایید عید را نه با خمیرمایه کهنه، بلکه با خمیرمایه بدخواهی یا شرارت، بلکه با نان فطیر صداقت و راستی جشن بگیریم. "توجه کنید که چه مقدار از این زبان مستقیماً از روایت خروج می‌آید، به طوری که، به یک معنا آنچه پولس می‌گوید، یک خروج جدید آغاز شده است، با عیسی که اکنون قوم خود را از گناه و مرگ و شر نجات می‌دهد و آنها را به عنوان قوم خود احیا می‌کند، و آنها را همانطور که در روزهای خروج با قوم خود انجام داد، نجات می‌دهد. همچنین زبان خروج را در دو متن دیگر، کولسیان فصل ۱ و آیات ۱۳ و ۱۴ می‌یابید.

او ما را از قدرت تاریکی نجات داده و به پادشاهی پسر محبوبش منتقل کرده است، که در او ما ... «رستگاری، یعنی بخشش گناهان را داریم». باز هم، آن زبان نجات و رهایی و خرید، بازتابی از خروج است بنابراین خدا، پولس در اینجا به وضوح قصد خود را برای نجات قوم خود، بازگرداندن قوم خود و آوردن رستگاری به آنها، در یک خروج جدید، در تحقق مضمون خروج بیان می‌کند. غلاطیان فصل ۴ و ۱ تا ۷ نیز با این زبان خروج از نظر رستگاری و نجات از بردگی و فرزندخواندگی، طنین‌انداز است، زیرا اسرائیل پسر خدا از کتاب خروج است.

بنابراین، هفت آیه اول فصل ۴ غلاطیان. نکته من این است ... "وارثان، تا زمانی که صغیر هستند، از بردگان بهتر نیستند، اگرچه صاحب تمام اموال هستند.

اما آنها تا تاریخی که پدر تعیین کرده است، تحت سرپرستی سرپرستان و متولیان باقی می‌مانند. بنابراین، ما نیز در حالی که خردسال بودیم، در بندگی ارواح ابتدایی جهان بودیم. اما هنگامی که زمان به کمال رسید، خدا پسر خود را که از زنی زاده شده و تحت شریعت متولد شده بود، فرستاد تا کسانی را که تحت شریعت بودند، نجات دهد و ما بتوانیم فرزندخواندگی را دریافت کنیم.

و چون شما فرزندان او هستید، خدا روح پسر خود را به قلب‌های شما فرستاده است که فریاد می‌زند، ای ابا ای پدر. شما دیگر برده نیستید، مانند مردم در ایام خروج، بلکه اکنون پسران هستید. و اگر پسر هستید، پس وارث نیز از طریق خدا هستید.» بنابراین، پولس به وضوح داستان خروج را فرض می‌کند و زبان خروج در این متن و متون دیگر نشان می‌دهد که خدا، در یک خروج جدید، اکنون در حال بازگرداندن، نجات و بازسازی قوم خود است، که اکنون این گروه فرافرهنگی است که در افسسیان ۲ درباره آن می‌خوانیم، متشکل از یهودی و غیریهودی، بر اساس رابطه آنها با عیسی مسیح.

بنابراین، قوم خدا، موضوعی مهم در سراسر نوشته‌های پولس است، جایی که او دوباره قوم را به عنوان نقطه اوج می‌بیند، کلیسایی که از یهودیان و غیریهودیان تشکیل شده است، که اکنون دریافت‌کنندگان وعده‌های خدا از عهد عتیق هستند و در آنها مشارکت دارند، اکنون قوم واقعی خدا هستند، در تحقق نیت خدا که به خلقت برمی‌گردد، برای ایجاد قومی که او با آنها وارد رابطه شود و در آنها ساکن شود. این ما را به موضوع بعدی، موضوع عهد یا پیمان جدید، می‌رساند. دیدیم که در عهد عتیق، متون نبوی با پیش‌بینی پیمان جدیدی که خدا با قوم خود برقرار خواهد کرد، به پایان می‌رسند، که در متونی مانند حزقیال ۳۷، ۳۶ و ۷، ارمیا فصل ۳۱ در مورد آن می‌خوانیم.

و حالا، پولس یا به وضوح به عهد جدید اشاره می‌کند، یا مضامین مهم عهد جدید را نیز در آن گنجانده و برجسته می‌کند. بنابراین، برای مثال، همانطور که قبلاً گفتم، اشاره به روح القدس. در سراسر نامه‌های پولس، من متقاعد شده‌ام که هر زمان که او از روح القدس نام می‌برد، فرض برقراری عهد جدید در پس آن نهفته است.

روح القدس یکی از وعده‌های مطرح شده در حزقیال ۳۶ و ۳۷ بود. روح القدس وعده عهد جدید بود. نزول روح القدس در اعمال رسولان ۲، که در تکمیل فصل ۲ یوئیل است، به وضوح با برقراری عهد جدید خدا با قومش مرتبط است.

بنابراین با تأکید بر عهد، روح القدس، که ما داریم، باز هم به زبان پولس، که ما از روح پر شده‌ایم، یا در «روح تعمید یافته‌ایم، یا با روح مهر شده‌ایم، افسسیان ۱، یا زبان دیگر مسیحیان که در روح سهیم هستند روح را دریافت می‌کنند، این فقط اصطلاحات جدید مسیحی نیست، بلکه اصطلاحات عهد جدید است. بنابراین حضور روح با قوم خود، در اختیار داشتن روح القدس توسط قوم، به وضوح ایده عهد جدید را از عهد عتیق تداعی می‌کند. پولس هر زمان که در مورد بخشش گناهان صحبت می‌کند، از طریق مرگ مسیح بر روی صلیب، اشاره می‌کند که ما بخشش گناهان را داریم.

بخشش گناهان با عهد جدید گره خورده است. زبان حزقیال از تطهیر ما توسط خدا، یا بخشیدن قلبی جدید به ما، یا از بین بردن ناپاکی‌های ما می‌گوید. این واقعیت که گناهان ما بخشیده شده‌اند، یکی از برکات عهد جدید است.

بنابراین، هر زمان که پولس در مورد پاک شدن، از بین رفتن یا بخشیده شدن گناهان ما صحبت می‌کند، به خاطر عهد جدید است. این امر، برقراری عهد جدید را فرض می‌گیرد. یکی از جاهایی که پولس به وضوح در مورد عهد جدید بحث می‌کند و به زبان عهد جدید و به طور کلی زبان عهد تکیه می‌کند، در دوم قرنتیان فصل ۳ یافت می‌شود. در دوم قرنتیان فصل ۳، و دوباره، من فقط بخش‌هایی از این را می‌خوانم، کل آن را نمی‌خوانم، اما در سراسر اینجا، به زبان عهد توجه کنید، به زبان حزقیال ۳۶ و ۳۷ توجه کنید.

بنابراین، پولس می‌گوید، آیا ما شروع به تعریف و تمجید از خود کرده‌ایم؟ دوم قرنتیان ۳. باز هم، مطمئناً ما مانند برخی به توصیه‌نامه‌هایی برای شما یا از شما نیاز نداریم، آیا داریم؟ شما خود نامه‌ای هستید که بر قلب‌های ما نوشته شده تا همه آن را بشناسند و بخوانند. و شما نشان می‌دهید که نامه‌ای از مسیح هستید.

، که توسط ما تهیه شده است، نه با جوهر، بلکه با روح خدای زنده، روح عهد جدید، نه بر لوح‌های سنگی بلکه بر لوح‌های قلب انسانی، که منعکس کننده این زبان از حزقیال ۳۶ و ۳۷ است. چنین است اعتمادی که ما از طریق مسیح نسبت به خدا داریم.

نه اینکه ما به خودی خود صلاحیت داشته باشیم که چیزی را که از ما صادر می‌شود، مطالبه کنیم، صلاحیت ما از جانب خداست که ما را صلاحیت داده است تا خادمان عهد جدید باشیم، نه از طریق کلام، بلکه از طریق روح. زیرا کلام می‌گردد، اما روح، روح عهد جدید از جانب حزقیال، زنده می‌کند.

بنابراین واضح است که پولس از زبان عهد جدید استفاده می‌کند، اما باز هم، زبان او زبان عهد جدید و به ویژه عهد جدید را به خود می‌گیرد، همانطور که در ارمیا و به ویژه در حزقیال، در قلب خدمت پولس یافت می‌شود. او خادم و مجری این عهد جدید وعده داده شده در عهد عتیق است. بنابراین، پولس احیای قوم خدا را در نظر دارد، قومی که از موانع فرهنگی یا ملی فراتر می‌رود و به واسطه رابطه‌اش با عیسی مسیح، همه مردم را در بر می‌گیرد.

بنابراین، پولس درک می‌کند که وعده‌ی بازگشت مردم که به داستان عهد عتیق و در نهایت به کتاب پیدایش برمی‌گردد، اکنون در حال انجام است. در کنار آن، موضوع عهد نیز مطرح است. اگر مردم بازگشته‌اند، عهد نیز باید اجرا شود.

و ما دوباره اشاراتی را در زبان پولس و در بسیاری از مفاهیم الهیاتی مربوط به حضور و آغاز عهد جدید می‌بینیم. پادشاهی یا سلطنت داوود. به همین ترتیب، پولس وعده‌های پادشاهی داوود را در تحقق نیت خدا برای حکومت بر خلقت از طریق نایب خود که به پیدایش برمی‌گردد، فرض می‌کند و گاهی اوقات به وضوح بیان می‌کند.

پولس این را دوباره در شخص عیسی مسیح، و همچنین در قوم او، تحقق یافته می‌داند. بنابراین، برای مثال جاهایی وجود دارد که پولس به وضوح عیسی را تحقق وعده‌های داده شده به داوود می‌داند. رومیان فصل ۱ و آیه ۳، انجیل مربوط به پسرش که از نظر جسم از نسل داوود بود.

بنابراین، پولس به وضوح عیسی مسیح را با نسب فیزیکی داوود در تحقق دوم سموئیل ۷ و انتظار نبوی از آمدن پادشاه داوود مرتبط می‌کند. حتی بحث‌هایی در مورد اینکه هر زمان که از عیسی به عنوان مسیح یاد می‌شود، برخی از ترجمه‌های انگلیسی تا چه حد ممکن است مسیح را در نظر بگیرند، وجود دارد، اما بیشتر ترجمه‌های ما می‌گویند عیسی مسیح یا مسیح یا چیزی شبیه به آن. حتی در نامه‌های پولس و دیگر نویسندگان عهد جدید، وقتی از عیسی به عنوان مسیح یاد می‌کنند، چند مورد از این موارد عنوان هستند، نه فقط نام عیسی یا یک نام خاص؟ تا حدودی توافق وجود دارد که حداقل بسیاری از مواردی که ما به طور سنتی فکر می‌کردیم فقط عیسی مسیح هستند، که مسیح هنوز هم بخشی از نیروی عنوانی خود را به عنوان مسیح، به عنوان پادشاه، در تحقق وعده‌های داوود، به همراه دارد.

اما حداقل، خود پولس در رومیان ۱-۳ به ما می‌گوید که عیسی از نسل داوود است. در جاهای دیگر، حتی جایی که پولس به وضوح عیسی را مسیح یا پسر داوود یا چیزی شبیه به آن نمی‌نامد و او را با وعده‌های داوود مرتبط نمی‌کند، جاهای دیگری وجود دارد که پولس به وضوح متون داوود را به شخص مسیح نسبت می‌دهد. بنابراین، برای مثال، در افسسیان فصل ۱، و من می‌دانم که بدون صحبت زیاد در مورد کل کتاب یا زمینه آن، از تعدادی متن استفاده می‌کنم.

باز هم، نکته من صرفاً این است که به شما نشان دهم این مضامین چقدر در بیان خود پولس از پیامش به کلیساهای مختلفش فراگیر هستند. اما افسسیان فصل ۱ و آیات ۲۰-۲۳ می‌گوید، خدا این قدرت را در

، مسیح به کار انداخت، زمانی که او را از مردگان برخیزانید و در دست راست در جای‌های آسمانی نشاند بسیار بالاتر از هر حکومت و اقتدار و قدرت و سلطه و بالاتر از هر نامی که خوانده می‌شود، نه تنها در این عصر بلکه در عصر آینده. و همه چیز را زیر پای او قرار داده و او را سر همه چیز قرار داده است، که کلیسا است، که بدن اوست، پری او که همه چیز را در همه پر می‌کند.

چیزی که می‌خواهم روی آن تمرکز کنید، این زبانِ تعالی عیسی به دست راست خدا و تسلط او بر همه چیز و همه دشمنانش زیر پای اوست. این زبان مستقیماً از مزمور ۱۱۰ و مزمور ۸ آمده است. مزمور ۱۱۰، که اغلب به عنوان مزمور سلطنتی یا مسیحایی شناخته می‌شود، پادشاه، پادشاه مسیحایی را به عنوان در دست راست خدا، جایگاهی از قدرت، جایگاهی که به او اقتدار بخشیده است، توصیف می‌کند. و اکنون عیسی مسیح در تعالی آسمانی خود دیده می‌شود، سلطنت داوودی عیسی، سلطنت او به عنوان پادشاه داوود بر تخت داوود، اکنون با عروج عیسی به دست راست خدا در تحقق مزمور ۱۱۰ آغاز شده است.

اما جالب اینجاست که اگر به گذشته و فراتر از مزمور ۱۱۰ برگردیم، مزمور ۸ را به یاد می‌آوریم، احتمالاً اکثر ما آن را حتی بهتر از مزمور ۱۱۰ می‌دانیم. اما در مزمور ۸، این را می‌خوانیم: ای خداوند، پروردگار متعال ما، نام تو در تمام زمین چقدر باشکوه است، این‌طور شروع می‌شود. و سپس، اگر از چند آیه بگذرم، وقتی به آسمان‌های تو، اثر انگشتان تو، ماه و ستارگانی که آفریده‌ای نگاه می‌کنم، متوجه می‌شوی که انسان چیست. که تو به آنها توجه داری؟ به وضوح پیدایش ۱ و ۲، خلقت را تداعی می‌کند.

یا انسان‌هایی که برایشان اهمیت قائلی. حالا به این گوش کن، تو آنها را کمی پایین‌تر از خدا قرار داده‌ای و تاج جلال و افتخار را بر سرشان گذاشته‌ای. یعنی انسانیت اوج خلقت توست.

تو به آنها بر کارهای دست خود تسلط داده‌ای، پیدایش ۱. تو همه چیز را زیر پای آنها قرار داده‌ای. اکنون عیسی مسیح در آیه ۲۲ به آسمان صعود کرده است، خدا همه چیز را زیر پای عیسی، زیر پای او قرار داده است، در تحقق مزمور ۸. پس چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ اساساً، پولس می‌گوید، با رستاخیز مسیح و صعود او به آسمان، در دست راست خدا، جایی که او بر همه چیز حکومت می‌کند و همه چیز زیر پای اوست، عیسی مسیح اکنون نه تنها وارد حکومت و سلطنت داوود شده است، بلکه در تحقق پیدایش ۱ و ۲، سلطنتی که حکومت خدا را بر تمام خلقت گسترش خواهد داد، در تحقق نیت اولیه خدا برای بشریت. آن حکومت جهانی، از پیدایش ۱ و ۲، که برای آدم و حوا در نظر گرفته شده بود، اما آنها در آن شکست خوردند، و سپس قرار بود از طریق یک پادشاه داوودی تحقق یابد، اکنون از طریق مرگ و رستاخیز عیسی مسیح و صعود او به آسمان آغاز شده است.

نشانه‌های دیگری نیز وجود دارد، نه تنها از مضمون پادشاهی داوود، بلکه از مضمون پادشاهی به طور کلی که به خلقت برمی‌گردد. در مورد مفهوم تصویر خدا، اینکه او انسان‌ها را به تصویر خود آفرید، به عنوان بازتابی از خدا، به عنوان نماینده خدا، و نماینده جلال و حکومت خدا در سراسر خلقت، چطور؟ در چند کتاب بعد، در کتاب کولسیان، در همان فصل اول، عیسی اینگونه توصیف می‌شود: او تصویر خدای نادیده، نخست‌زاده تمام آفرینش است. زیرا در او همه چیز در آسمان و زمین، توجه کنید که مضمون آسمان‌ها و زمین، چه مرئی و چه نامرئی، چه تخت‌ها، چه سلطنت‌ها، چه قدرت‌ها، چه همه چیزهایی که برای او و توسط او آفریده شده‌اند، آفریده شدند.

او خود پیش از همه چیز است، و در او، همه چیز به هم پیوسته است. احتمالاً در این بخش از کولسیان اتفاقات زیادی در حال رخ دادن است. شاید در اینجا یک بن‌مایه حکمت وجود داشته باشد، اما واضح است که درک ارتباطات احتمالی آن با فصل اول پیدایش دشوار است. اینکه بشریت در ابتدا قرار بود به تصویر خدا آفریده شود تا بر تمام آفرینش حکومت کند، اکنون عیسی مسیح به عنوان تصویر واقعی خدا، به عنوان کسی که خود خداست، به تصویر کشیده شده است.

او اکنون تصویر، انعکاس و نماینده واقعی خداست که بر تمام خلقت حکومت می‌کند، اما به عنوان خالق آن. برخلاف آدم و حوا که بخشی از نظام خلقت هستند، اکنون عیسی مسیح بر خلقت حکومت می‌کند و به عنوان خالق آن، بر خلقت حاکم است. بنابراین، موضوع تصویر خدا در اینجا پدیدار می‌شود.

رومیان فصل ۵ و آیات ۱۸ و ۱۹، برای ارتباط بیشتر عیسی با آدم، و آدم، نیت اولیه خدا برای بشریت او در فصل ۵ و با شروع از آیات ۱۲ تا ۱۸، کل بخش را نمی‌خوانم، اما مقایسه‌ای گسترده بین آدم و مسیح می‌یابیم. کاری که آدم در انجام آن شکست خورد، و در واقع اثرات گناه و خلقت او، اکنون عیسی به عنوان آدم جدید و رئیس جدید بشریت و خلقت، به نوعی اصلاح و معکوس می‌کند.

بنابراین آیه ۱۲، بنابراین، همانطور که گناه از طریق یک مرد، آدم، وارد جهان شد، و مرگ از طریق گناه آمد، و بنابراین مرگ به همه سرایت کرد زیرا همه گناهان. گناه در واقع قبل از شریعت در جهان وجود داشت، اما در جایی که شریعتی وجود ندارد، گناه هنوز به حساب نمی‌آید. با این حال، مرگ از آدم تا موسی حتی بر کسانی که گناهانشان مانند تجاوز آدم نبود، تسلط داشت، که نمونه‌ای از آن کسی است که قرار است بیاید، عیسی مسیح.

و ادامه‌ی این بخش، اثرات گناه آدم را با اثرات عمل صالح عیسی، احتمالاً مرگ او بر روی صلیب، مقایسه می‌کند. به طوری که عیسی به وضوح به عنوان یک آدم جدید دیده می‌شود، به عنوان کسی که نیت خدا برای بشریت را که آدم در انجام آن شکست خورد، تحقق می‌بخشد، نیتی که اکنون از طریق مرگ عیسی مسیح بر روی صلیب، و انسانیت جدید و عدالتی که او بر همه چیز برقرار خواهد کرد، محقق می‌شود. همچنین توجه کنید که در آن توصیف در رومیان فصل ۵، حتی در توصیف آنچه مسیح انجام می‌دهد، چندین بار با مضمون سلطه یا حکومت مواجه می‌شوید.

بنابراین، آیه ۱۷: اگر به دلیل خطای یک نفر، مرگ از طریق آن یک نفر بر او حکومت کرد، چه بسیار بیشتر کسانی که فیض فراوان و هدیه رایگان عدالت را دریافت می‌کنند، از طریق یک نفر، عیسی مسیح، در زندگی بر او حکومت خواهند کرد. بنابراین، جنبه‌های مختلفی از این مقایسه بین مسیح و آدم وجود دارد که به وضوح شما را به فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش بازمی‌گرداند. عیسی مسیح اکنون آدم حقیقی است، همانطور که در متن کولسیان نیز آمده است، کسی که اکنون به تصویر خدا، حکومت خدا و جلال خدا را احیا می‌کند و اکنون قوم خود را در خلقتی جدید، در انسانیتی جدید احیا می‌کند، کاری را که آدم انجام داد، برعکس می‌کند و نیت خدا را برای بشریت که آدم در آن شکست خورد، به تحقق می‌رساند. اما این نه تنها در مسیح تحقق می‌یابد، بلکه در قوم خدا نیز تحقق می‌یابد.

بنابراین، برای مثال، در همان کتاب کولسیان، پس از ذکر عیسی به عنوان تصویر خدا، به طرز جالبی بعداً در کولسیان فصل ۳ و آیه ۱۰، پولس این را توصیف می‌کند، و شما خود را با خود جدید، به معنای واقعی کلمه انسان جدید یا انسانیت جدید که جایگزین انسانیت اصلی می‌شود، و به آدم برمی‌گردد، پوشانده‌اید شما خود را با خود جدید پوشانده‌اید، که در دانش مطابق با تصویر خالق خود تجدید می‌شود، که به وضوح فصل‌های ۱ و ۲ پیدایش را تداعی می‌کند. بنابراین توجه کنید که آنچه من فکر می‌کنم تا حدودی در حال وقوع است این است که به دلیل تعلق به مسیح، تصویر واقعی خدا، اکنون قوم خدا نیز در تصویر خدا تجدید می‌شوند و نیت اولیه خدا را برای بشریت احیا می‌کنند، اینکه حاملان تصویر خدا زمین را با جلال و قوانین او پر کنند، و نمایانگر حکومت خدا در سراسر خلقت باشند. این [وضعیت] اکنون در حال تحقق است، زیرا قوم خدا خود کهنه را کنار می‌گذارند و خود نو را می‌پوشند، که در مسیح هستند، این انسانیت جدید که به تصویر خالق خود، پیدایش ۱ و ۲، در حال تجدید شدن است. در افسسیان ۲، یکی دیگر از متون مرتبط با موضوع پادشاهی، در افسسیان ۲، نویسنده همچنین به روشنی بیان می‌کند که به دنبال فصل

متنی که به آن نگاه کردیم، جایی که عیسی مسیح در دست راست خدا قیام کرده و نشسته است و بر ۱، همه چیز تسلط دارد، اکنون به آنچه پولس در فصل ۲ افسسیان می‌گوید توجه کنید.

اگر بتوانیم به آیات ۵ و ۶ پردازیم. حتی زمانی که در خطایا و گناهان خود مرده بودید، او ما را با مسیح زنده کرد. خدا ما را با مسیح زنده کرد. از راه فیض، شما نجات یافته‌اید.

او ما را با خود برخیزانید و در جای‌های آسمانی با خود نشاند. آنچه پولس می‌گوید اساساً همان چیزی است که برای مسیح در فصل ۱ اتفاق افتاده است، به موجب تعالی او در تحقق هدف خلقت، مطیع کردن همه چیز زیر پای خود و در دست راست خدا، تحقق هدف خدا برای یک نایب برای حکومت بر تمام خلقت در تحقق پیدایش ۱ و ۲، اکنون قوم خدا در آن مشارکت دارند. به موجب بودن در مسیح، که به آسمان صعود کرده و بر همه چیز سلطنت می‌کند، مسیحیان نیز شروع به تحقق فرمان اولیه خلقت برای قوم خدا می‌کنند تا تصویر خدا را منعکس کنند و بر تمام خلقت حکومت کنند.

بنابراین، پولس به وضوح از پادشاهی داوود آگاه است، عیسی به عنوان تحقق وعده‌های داوود مبنی بر جانشینی که بر اسرائیل حکومت می‌کند و در نهایت بر خلقت حکومت می‌کند، اما پولس همچنین به خلقت بازمی‌گردد و مسیح و قومش را در نهایت تحقق هدف خدا برای قومش برای تسلط و فرمانروایی بر تمام خلقت می‌بیند. و آنها این کار را از طریق نایب‌السلطنه، عیسی مسیح، پسر داوود، و با اتحاد با او و ادغام شدن در مسیح انجام می‌دهند. موضوع چهارم، سکونت خدا در معبد، این است که پولس همچنین از موضوع عهد عتیق در مورد مرمت و بازسازی معبد خدا به عنوان مکانی که خدا با قوم خود در آن ساکن است، بهره می‌برد.

اگرچه این هشدار وجود دارد، اما پولس این را در ساخت فیزیکی یک سازه سنگی یا هر نوع سازه دیگری نمی‌بیند. در عوض، به طور مداوم در نوشته‌های پولس، زبان معبد برای خود مردم به کار می‌رود. خود مردم این معبد را تشکیل می‌دهند که خدا، از طریق روح القدس خود، روح عهد جدید خود، اکنون در آن ساکن می‌شود.

حضور او بر قوم خدا قرار می‌گیرد. شاید اینگونه باشد که ما باید چنین زبانی را درک کنیم. در افسسیان، فصل ۵، پولس در آیه ۱۸ می‌گوید، متنی که اکثر ما از آن آگاه هستیم، پولس می‌گوید: «مست شراب نشوید، زیرا این فجور است، بلکه از روح پر شوید».

شاید ما باید این را بر اساس حضور خدا که معبد را پر می‌کند، درک کنیم. زبان اینجا شبیه مفهوم عهد عتیق از حضور خدا از طریق آمدن روح او برای پر کردن معبدش است. اکنون قوم خدا به عنوان معبدی دیده می‌شوند که حضور خدا آن را پر می‌کند.

بنابراین، آنها باید به طور مناسب زندگی کنند، همانطور که دستورات بقیه این بخش از افسسیان ۵ بیان می‌کنند. اما برای اینکه نشان دهیم که ممکن است این روشی باشد که ما باید آن را بخوانیم، به فصل ۲ برگردید. پیش از این، ما دو آیه آخر را حذف کردیم، اما من می‌خواهم به آنها برگردم. با شروع از آیات ۱۹ تا از افسسیان فصل ۲، می‌گوییم: پس شما، غیریهودیان، دیگر غریبه و بیگانه نیستید، بلکه شهروندان ۲۲ مقدسین و اعضای خانواده خدا، همراه با اسرائیل هستید.

حالا به تصویر خانه‌ای که پولس برای مردم ترسیم می‌کند توجه کنید. اما توجه کنید که چگونه او قصد دارد به طور نامحسوس تغییر شکل دهد و با تصویر معبد ادغام شود. بر اساس پایه رسولان و انبیا، دوباره پایه وجود دارد، دوازده رسول، پایه قوم حقیقی خدا، که خود عیسی سنگ بنای آن است.

در او، مسیح، تمام این ساختار به هم پیوسته و به یک معبد مقدس در خداوند تبدیل می‌شود، که در او، در این معبد، شما نیز هستید، یا در او، متأسفم، در مسیح، شما، در این معبد، مردم نیز از نظر معنوی به صورت یک مکان سکونت خدا یا برای خدا ساخته می‌شوند. من فکر می‌کنم این تعبیر بهتری است. شما به صورت یک مکان سکونت ساخته می‌شوید که خدا به وسیله روح خود در آن زندگی می‌کند.

بنابراین، پولس به وضوح کلیسا را معبد خدا، معبدی در تحقق حزقیال و دیگر متون عهد عتیق می‌بیند. بله، معبد بازسازی شده است. اسرائیل بازسازی شده است، پادشاهی از نسل داوود بر آنها در رابطه‌ای مبتنی بر عهد جدید حکومت می‌کند.

و اکنون معبد خدا نیز از طریق سکونت خدا در میان قومش بازسازی شده است. اول قرن‌تین ۳، آیه ۱۶ متن کلاسیک دیگری است که پولس به قرن‌تین می‌گوید: «آیا نمی‌دانید که شما معبد خدا هستید و روح خدا در شما ساکن است؟» همان مفهومی که در مورد آن خواندیم، همین الان در افسسیان فصل ۲ خواندیم. این موضوع ممکن است در آیه ۱۲ نیز منعکس شود. حال، اگر کسی در شالوده از طلا، نقره و سنگ‌های قیمتی بنایی بسازد، که نشان‌دهنده بازسازی معبد از عهد عتیق است.

بنابراین، پولس به وضوح قوم خدا را به عنوان معبد بازسازی شده و مرمت شده، مکانی که اکنون خدا با قوم خود در آن ساکن می‌شود، تصور می‌کند. اما اکنون بلوک‌های ساختمانی و سنگ‌هایی که معبد را تشکیل می‌دهند، دیگر از گرانیت یا هر چیز دیگری ساخته نشده‌اند، بلکه اکنون از خود مردم تشکیل شده‌اند. مردم معبد واقعی هستند که اکنون خدا در آن ساکن است.

این می‌تواند بیانگر این باشد که چرا در بقیه اول قرن‌تین، پولس اینقدر به پاکی مردم علاقه دارد زیرا آنها معبد هستند. بنابراین پولس مفهوم و زبان پاکی را از عهد عتیق می‌گیرد و اکنون آن را به طور گسترده‌تری در مورد خود مردم، یعنی کلیسا، به کار می‌برد، زیرا اکنون کلیسا معبد حقیقی است. آخرین موضوع، خلقت و سرزمین است.

من پیشنهاد می‌کنم که این زبان یا مضمون سرزمین و خلقت، از جمله خلقت جدید، به یاد داشته باشید که گفتیم حداقل اشعیا پیش‌بینی می‌کند که بازگشت نهایی اسرائیل به سرزمین، از نظر خلقت جدید اتفاق خواهد افتاد، چیزی که فراتر از بازگشت صرف اسرائیل به سرزمین موعود است. اما ما زبان زیادی را می‌بینیم که یادآور سرزمین است. بنابراین فکر می‌کنم، دوباره، پولس در نهایت، وعده سرزمین و خلقت را در ابتدا در برکات نجاتی که اکنون خداوند برای قوم خود فراهم می‌کند، محقق شده می‌بیند.

ما در انجیل‌ها دیدیم که می‌توان به سرزمین به عنوان ورود به پادشاهی نگاه کرد. جالب است که خود عیسی درباره به ارث بردن پادشاهی خدا صحبت می‌کند. ارث اصطلاحی بود که در عهد عتیق برای به ارث بردن زمین توسط اسرائیل به کار می‌رفت.

حالا عیسی آنها را وارث پادشاهی خدا تصور می‌کند. این زبان ارثی در نوشته‌های پولس نیز دیده می‌شود. برای مثال، در غلاطیان فصل ۳ و آیه ۲۹، او می‌گوید: «اگر شما از آن مسیح هستید، پس فرزندان و وارثان.» ابراهیم طبق وعده هستید.

به زبان یک وارث توجه کنید. و سپس فصل ۴، آیه ۱، نکته من این است، وارثان. تا زمانی که صغیر هستند، از بردگان بهتر نیستند.

اما نکته‌ی پولس این است که اکنون آنها دیگر برده نیستند. بنابراین چون در مسیح هستند، طبق وعده وارث می‌باشند. جالب اینجاست که آن عبارت ارث در غلاطیان فصل ۳، آیه ۲۹، با وعده‌ای که به ابراهیم داده شده، گره خورده است.

اینجا در آیه ۲۹:۳، شما فرزندان ابراهیم هستید. چه چیزی به فرزندان ابراهیم وعده داده شده بود؟ به آنها سرزمین وعده داده شده بود. خدا این سرزمین را برای همیشه به آنها خواهد داد.

آنها سرزمین را به ارث می‌بردند. اکنون، قوم خدا به عنوان وارث وعده نجات، یعنی روح القدس در غلاطیان دیده می‌شوند. بنابراین من اینطور برداشت می‌کنم که وارث پادشاهی بودن، وارث برکات نجات، به عنوان تحقق اولیه سرزمینی که به اسرائیل وعده داده شده بود، دیده می‌شود.

اگرچه، باز هم، خواهیم دید که این تمام چیزی نیست که عهد جدید در مورد موضوع زمین و خلقت می‌گوید. غلاطیان فصل ۵، در آیات ۲۲-۲۳، که نمی‌خواهم کل آن را بخوانم، اما در واقع این آیات ۲۲-۲۵ تا ۲۵، در متن مربوط به میوه‌های روح است. اما به احتمال زیاد، وقتی پولس می‌گوید، میوه‌های ۲۲-۲۳، روح این چیزها هستند، باز هم، من تعجب می‌کنم که آیا منظور از عبارت «باروری» اشاره به میوه‌های خلقت جدید نیست؟

این مضمون ثمربخشی، که در پیدایش ۱ و ۲ آمده است، دوباره در نوشته‌های پیامبران، زمانی که قوم خدا در خلقت جدید احیا می‌شوند، ظاهر می‌شود. شما تمام این زبان ثمربخشی را در اینجا می‌بینید. قصد جناس ندارم.

اما شاید این همان چیزی باشد که در پس اندیشه‌ی پولس نهفته است. وقتی او در مورد مسیحیانی صحبت می‌کند که میوه‌ی روح را تولید می‌کنند، آنها میوه‌ی خلقت جدید را تولید می‌کنند. وعده‌ی سرزمین و خلقت جدید در بازگشت اسرائیل به سرزمین، اکنون در قوم خدا که میوه‌ی خلقت جدید را به بار می‌آورند، محقق شده است؛ خلقتی که چیزهایی مانند عشق، شادی، صلح، صبر، مهربانی، سخاوت، وفاداری، ملائمت، خویشنداری و بسیاری چیزهای دیگر را نیز دنبال می‌کند.

با این حال، توجه داشته باشید که پولس چند بار به طور خاص به متن خلقت جدید اشاره می‌کند. دوم قرن‌تین ۵، آیه ۱۷. در ۱۷:۵، پولس می‌گوید: «بنابراین، اگر کسی در مسیح باشد، خلقت جدیدی وجود دارد.»

بنگرید، همه چیز از بین رفته است، و می‌بینید، همه چیز جدید شده است. این عبارت مستقیماً از فصل ۶۵ کتاب اشعیا آمده است. و همچنین چند جای دیگر در کتاب اشعیا که خلقت جدیدی را پیش‌بینی می‌کنند.

بنابراین، دوباره، آنچه پولس می‌گوید این است که اگر کسی در مسیح باشد، خلقت جدیدی وجود دارد. تأکید چندان بر این نیست که شما از نو آفریده شده‌اید، و قلب جدیدی دارید، و در مقایسه با آنچه هستید، انسان جدیدی هستید. اما من تعجب می‌کنم که آیا نباید این را از نظر شخصی، که بخشی از آن است، درک کنیم، بلکه باید آن را به طور گسترده‌تر از نظر تحقق خلقت جدید درک کنیم.

در مسیح، خلقت جدید فرا رسیده است. با بودن در مسیح، ما در این خلقت جدید سهیم هستیم. به طوری که خلقت جدید اشعیا، که تحقق نهایی نیت خدا برای سرزمین و خلقت در پیدایش ۱ و ۲ است، اکنون فرا رسیده و در شخص عیسی مسیح آغاز شده است.

احتمالاً باید زبان خلقت را در پس متنی که اکثر ما در افسسیان فصل ۲ با آن آشنا هستیم، درک کرد. وقتی پولس می‌گوید: «زیرا به فیض و از طریق ایمان نجات یافته‌اید، و این از خودتان نیست. این موهبت خداست، نه در نتیجه اعمال، تا هیچ کس نتواند به خود ببالد.» افسسیان ۲، ۸ و ۹. حال به آیه ۱۰ نگاه کنید.

زیرا ما صنعت او هستیم، یا آنچه او ساخته است، که در مسیح عیسی برای کارهای نیک آفریده شده است. دوباره به زبان خلقت توجه کنید. بنابراین، آنچه فکر می‌کنم پولس دوباره می‌گوید این است که وعده خلقت جدید اکنون در قوم خدا که خلقتی جدید هستند و قادر به تولید میوه‌های خلقت جدید هستند، محقق شده است.

و من فکر می‌کنم اگر با دقت بیشتری بررسی کنیم، پولس به وضوح خلقت جدید را با رستاخیز عیسی مسیح مرتبط می‌کند. بنابراین، خلقت جدید آغاز شده است. وعده سرزمینی که به اسرائیل در تکمیل خلقت کنونی داده شده است، در وعده‌های نجاتی که ما به ارث می‌بریم و خلقت جدیدی که اکنون در شخص عیسی مسیح آغاز شده است، تحقق می‌یابد.

حالا بیشتر اینها، همه اینها که عملاً بررسی کرده‌ایم، بر جنبه تحقق یافته آخرالزمان، یا جنبه تحقق یافته داستان تمرکز داشته‌اند. اما چندین اشاره به جنبه‌های تحقق نیافته یا هنوز به سرانجام نرسیده، یا فرجام کامل شده، وجود دارد. اجازه دهید در پایان به یکی از آنها اشاره کنم.

در باب ۱، آیه ۱۰ از افسسیان. افسسیان باب ۱ و آیه ۱۰. و من به عقب برمی‌گردم و آیه ۹ را نیز می‌خوانم.

او راز اراده خود را بر اساس خشنودی خود که در مسیح آشکار کرده بود، برای ما آشکار ساخته است. و این رازی است که او آشکار کرده است، این اراده خداست. به عنوان طرحی برای کمال زمان تا همه چیز را در مسیح، چه در آسمان و چه در زمین، خلاصه یا گرد هم آورد.

باز هم، آسمان‌ها و زمین زبان خلقت را منعکس می‌کنند. بنابراین، فصل ۱ و آیه ۱۰ بیان پولس از هدف نهایی خدا برای «هنوز نه» است، که بقیه افسسیان به آن اشاره دارد، این است که روزی همه چیز در کل کیهان، در آسمان و زمین، جایگاه شایسته خود را تحت مسیح خواهند یافت. همه چیز با نیت اولیه خدا برای خلقت در پیدایش ۱ و ۲ آشتی داده شده و احیا خواهد شد. اما همانطور که پولس نشان می‌دهد، آن هدف از قبل آغاز شده است.

در آشتی دادن یهود و غیریهود توسط خدا در قالب یک بشریت جدید. در ورود مسیح به حکومت داوودی. خود و مطیع کردن همه چیز در خلقت. و قوم خدا به دلیل تعلق به مسیح، در این حکومت سهیم هستند.

و در پایه گذاری عهد جدید، احیای قوم خدا. خدا با قوم خود ساکن می‌شود و خدا خلقت جدید را بنا می‌نهد. نیت نهایی خدا که در تحقق اراده او برای خلاصه شدن همه چیز در مسیح و یافتن رابطه مناسب آنها با مسیح در تحقق پیدایش ۱ و ۲ محقق خواهد شد، اکنون در شخص مسیح و کسانی که از طریق ایمان به مسیح تعلق دارند، در حال انجام است.

...در بخش بعدی، به چگونگی تأثیر این پنج مضمون خواهیم پرداخت.